

بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۹/۱

دکتر نوذر شفیعی*
مریم اسکندری**

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که سناریوهای ممکن در حل بحران کشمیر کدامند و این سناریوها چه تأثیری بر موقعیت بازیگران دخیل در بحران کشمیر دارند؟ این پرسش از آن نظر حائز اهمیت است که بحران کشمیر یک بحران دیرپا بوده و تاکنون سناریوهای مختلفی درباره حل آن مطرح شده است که هیچکدام به نتیجه نرسیده اند. علت بی نتیجه ماندن این سناریوها اختلاف نظری است که هریک از بازیگران دخیل در بحران کشمیر نسبت به آن سناریوها دارند. در این پژوهش که به شیوه تحلیلی-توصیفی انجام شده، هفت سناریوی ممکن برای حل بحران کشمیر ارائه شده است که عبارتند از: ۱- حفظ وضع موجود ۲- الحاق کشمیر به پاکستان ۳- الحاق کشمیر به هندوستان ۴- کشمیر مستقل ۵- یک کشمیر مستقل کوچکتر ۶- دره مستقل کشمیر ۷- فرمول چناب

همانگونه که گفته شد، هر یک از این سناریوها پیامدهای مختلفی برای هر یک از بازیگران دخیل در بحران کشمیر دارد. تعارضات ناشی از این پیامدها مهمترین مانع در اجرای این سناریوها بوده است.

واژگان کلیدی: بحران کشمیر، فرمول چناب، دره کشمیر، خط کنترل، جنوب آسیا.

مقدمه

هنگامی که امپراتوری بریتانیا از منطقه شبه قاره هند رخت بر بست و کشور هند و پاکستان در چهاردهم اوت ۱۹۴۷ میلادی (۲۳ مرداد ۱۳۲۶ هجری شمسی) به استقلال رسیدند، وضعیت اداره چند منطقه در این سرزمین نامشخص باقی ماند که از جمله این مناطق سرزمین کشمیر است و همین امر موجب شد که این منطقه دستخوش بحران شدیدی شود که تا به امروز همچنان به قوت خود باقی است.

پاکستان، کشمیر را بدان علت که بخش اعظم جمعیت آن مسلمان است، متعلق به خود می‌داند و هند نیز بدان جهت که مهاراجه‌ی وقت کشمیر الحاق قلمرو خود را به خاک هند اعلام کرد مدعی جدایی‌ناپذیر بودن این سرزمین از خاک هند است. پاکستان هویت دینی و ملی خود را در گرو الحاق کشمیر دانسته و هند نیز تمامیت ارضی و یکپارچگی خود را در گرو عدم جدایی کشمیر می‌داند. زیرا در این کشور ایالت‌های مختلفی وجود دارند که تحت تأثیر ناسیونالیسم قومی و مذهبی خواستار جدایی از هند هستند. در هر حال آنچه مسلم است این که اختلاف بر سر کشمیر تاکنون موجب بروز سه جنگ در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ میلادی بین هند و پاکستان شده است.

سران بسیاری از کشورها تاکنون برای میانجیگری در خصوص این معضل دیرینه پا پیش گذاشته‌اند، اما تا زمان نگارش این مقاله هیچ یک از این وساطت‌ها به نتیجه نرسیده و مشکل همچنان پابرجاست. کهنگی این بحران نشان از آن دارد که در کوتاه مدت و به آسانی نمی‌توان این بحران را حل کرد. با این حال سناریوهای مختلفی برای حل بحران مطرح است. این که این سناریوها کدامند و هریک از آنها چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای بازیگران دخیل در بحران کشمیر به همراه دارند، سؤال اصلی این مقاله است. فرضیه مقاله آن است که اگرچه سناریوهای مختلف برای حل بحران کشمیر قابل طرح است اما هر یک از این سناریوها فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای بازیگران دخیل در بحران به همراه دارد به گونه‌ای که رسیدن به یک راه‌حل را برای خاتمه بخشیدن به بحران دشوار می‌سازد. با این حال آنچه سناریوی پنجم (یک کشمیر مستقل کوچکتر) نامیده می‌شود بهترین گزینه در میان گزینه‌های موجود برای حل بحران است.

پرداختن به موضوع کشمیر آن هم با توجه به سؤال و فرضیه این پژوهش از آن

جهت حائز اهمیت است که کشمیر یکی از دیرپاترین بحران‌های جهان به حساب می‌آید و به همان میزان که در سطح دیپلماتیک تلاش‌های بین‌المللی مؤثری برای حل آن صورت نگرفته، در ادبیات سیاسی و روابط بین‌المللی به ویژه در ادبیات دانشگاهی ایران توجه چندانی به آن معطوف نشده است. لذا این مقاله ضمن آن که به یکی از اصلی‌ترین اجزای بحران کشمیر یعنی سناریوهای ممکن برای حل بحران می‌پردازد، در غنی‌سازی ادبیات مربوط به حوزه جنوب آسیا نیز مؤثر است.

به هر حال این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی تدوین شده است، از سه بخش شامل بازیگران دخیل در بحران کشمیر، سناریوهای حل بحران، فرصت‌ها و چالش‌های هر یک از سناریوها برای بازیگران تشکیل شده است.

بخش اول

بازیگران دخیل در بحران

سرزمین کشمیر به وسعت ۲۲۲۲۳۶ کیلومتر مربع در قسمت‌های جنوبی آسیا و در شمال شبه قاره هند قرار دارد که از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان از غرب با پاکستان و از جنوب با هند هم مرز است. (سید ناصری، ۱۳۸۰: ۳۰) سرزمینی که کشمیر نامیده می‌شود شامل سه قسمت است: یکی ایالات جامو و کشمیر که در قلمرو هند قرار دارد و مرکز آن شهر سرینگر است؛ دیگری کشمیر آزاد که در قلمرو پاکستان قرار داشته و مرکز آن مظفر آباد است. (حد فاصل بین کشمیر هند و پاکستان خط آتش بس یا کنترل (Line of Control) به طول ۱۳۸۵ کیلومتر قرار دارد که پس از سومین جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی توسط سازمان ملل متحد تعیین شد.) و منطقه‌ی شمالی که در اختیار چین است.

(Ruisheng,2006:56)

کشمیر در زمان اعطای استقلال بریتانیای کبیر به هند و پاکستان با وجودی که اکثر ساکنان آن مسلمان بودند تحت حکومت فرمانروای هندو مذهب منطقه قرار داشت. پس از آن که مالکیت سرزمین کشمیر بحث انگیز شد، مهاراجه هندو رسماً اعلام کرد که کشمیر بخشی از خاک هندوستان است. از سوی دیگر چون جمعیت سرزمین کشمیر مسلمان هستند پاکستان مدعی حاکمیت بر این سرزمین است.

(James,2005:435)

همین چالش بر سر مالکیت منطقه جامو و کشمیر موجب شده است که بحران

چرکینی در منطقه جنوب آسیا به وجود آید و این منطقه را که موطن فقیرترین مردم جهان است، کاملاً بی ثبات کند. (دهشیار، ۱۳۸۷: ۲)

بازیگران دخیل در بحران کشمیر در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تقسیم هستند. در سطح داخلی جبهه آزادی‌بخش جامو و کشمیر قرار دارد که خواهان به وجود آمدن کشور جدیدی به نام کشمیر است. (ملازهی، ۱۳۸۲: ۸۰) در سطح منطقه دو بازیگر اصلی یعنی هندوستان و پاکستان قرار دارند که هر دو خواهان الحاق کشمیر و پیوستن آن به کشور خودشان هستند. در سطح بین‌المللی نیز بازیگران مختلفی وجود دارد که در این مقاله فقط نقش ایالات متحده آمریکا تحلیل و بررسی شده است. (ایزد دوست، ۱۳۸۱: ۴۵) هم‌اکنون مقاله به بررسی منافع هر یک از این بازیگران می‌پردازد.

الف) جبهه آزادی‌بخش جامو و کشمیر

جبهه آزادی‌بخش جامو و کشمیر خواهان استقلال این سرزمین است. این جبهه برای ادعای خود استدلال‌های زیر را مطرح می‌کند:

۱- از دید این جبهه کشمیر از ابتدا سرزمین مستقلاً بوده و با آن که در گذشته بخشی از سرزمین شبه قاره هند بوده، اما تحت حاکمیت جداگانه‌ای قرار داشته است.

۲- مردم کشمیر با آن که مسلمان هستند اما دارای هویت فرهنگی و تاریخی جداگانه‌ای هستند که با ساکنان پاکستان متفاوتند.

۳- با توجه به اختلافات دیرینه‌ای که بین دولت هند و مردم کشمیر وجود دارد، تداوم سلطه هند بر کشمیر تقریباً غیر ممکن است. از سوی دیگر الحاق کشمیر به پاکستان نیز حساسیت‌های ویژه‌ای برای هندوستان به دنبال خواهد داشت که مانع از انعطاف و رضایت دهلی نو نسبت به این موضوع خواهد شد. بنابراین به سود هر دو کشور است که به استقلال کشمیر رأی دهند.

۴- جامعه بین‌المللی به ویژه قدرت‌های بزرگ نیز به کشمیر مستقل راغب‌تر

هستند. (Kashmir: The View from Serinagar, 2003)

ب) هندوستان

از همان اوان استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، لرد مونت باتن نایب‌السلطنه وقت هندوستان کشمیر را منطقه‌ای با اهمیت تلقی کرد و همه تلاش‌ها بر این استوار بود که کشمیر در چارچوب هند باقی بماند. (Ganguly, 2006: 47) کشمیر به چند

دلیل از اهمیت فوق العاده ای برای هندوستان برخوردار است که در ذیل به اختصار بیان می‌شود:

۱. کشمیر به لحاظ مرزهای بین المللی، مرکز و قلب جنوب آسیا محسوب می‌شود و وجود مرزهای مشترک آن با افغانستان، چین و روسیه به لحاظ دفاعی برای هندوستان مهم تلقی می‌شود. (سید ناصری، ۱۳۸۰: ۲۴)

۲. پنج رودخانه مهم سند، جهلم، چناب، راوی و ساتلج واقع در منطقه یا از کوه‌های کشمیر سرچشمه می‌گیرند و یا از این سرزمین می‌گذرند. این رودخانه‌ها در کشاورزی و اقتصاد هند نقش چشمگیری دارند و بنابراین کنترل و تسلط بر کشمیر به مثابه امکان استفاده و بهره برداری مؤثر از این رودخانه هاست و این امکان را برای هند به وجود می‌آورد که هر موقع بخواهد بر پاکستان فشار آورده و مواضع آن کشور را تعدیل کند. (India, Pakistan and Kashmir: stabilizing a Cold Peace, 2006)

۳. با توجه به اعتقادات شدید مذهبی در هند، الحاق کشمیر به پاکستان به نوعی یعنی پیروزی مسلمانان پاکستانی بر مذهب هندوئیسم و در نتیجه از دست دادن کشمیر برای هندوستان شکست اعتقادی- مذهبی را برای این کشور دربرخواهد داشت. (Ozdamar, 2005: 449)

۴. با توجه به این که در حال حاضر هندوستان خود را قدرت منطقه‌ای می‌داند، شکست در جریان کشمیر به لحاظ پرستیژ بین المللی باعث افت اعتبار این کشور خواهد شد. (توریالی غیائی، ۱۳۸۷: ۶)

۵. بزرگترین محور ارتباط زمینی بین جنوب آسیا با چین و آسیای مرکزی از بخش شمالی کشمیر عبور می‌کند. این محور ارتباطی که پاکستان و چین را به هم ارتباط داده، در قسمت شمالی دهلی نو قرار دارد و می‌تواند به یک اتحاد استراتژیک معنا ببخشد و امنیت هند را به مخاطره اندازد. بدین جهت نیز کشمیر از اهمیت بالایی برای هند برخوردار است. (Ozdamar, 2005: 450)

در مجموع به نظر می‌رسد اعتقاد هندی‌ها برای تسلط بر کشمیر و پیوستن این ایالت به دولت هند چنان است که دولتمردان هندی الحاق کشمیر را به کشور هند یک امر انجام شده می‌دانند و به هیچ وجه نمی‌خواهند وارد بحثی شوند که کشمیر را از تحت سیطره بودن هند جدا کند. (Kashmir: the View from New Delhi, 2003)

به همان میزان که کشمیر برای هندوستان حائز اهمیت است، برای پاکستان نیز بسیار مهم شمرده می‌شود. (pan,2004) در ذیل به چند اهمیت کشمیر برای این کشور به اختصار اشاره می‌شود:

۱. شاید مهمترین ویژگی کشمیر برای پاکستان که سال‌ها موجب ناامنی در مرزهای این کشور شده، این است که سرزمین کشمیر به لحاظ ساختار فرهنگی ترکیبی ناهمگون داشته است. اکثریت ساکنان کشمیر مسلمانند و هندونشین‌های آن در اقلیت هستند. با توجه به این مسأله و تعصبات مذهبی و افراط‌گرایی‌های موجود در پاکستان، این کشور خواهان الحاق تمامی سرزمین کشمیر به خاک خویش است. (James, 2005: 438)

۲. ویژگی بعدی کشمیر که آن هم از اهمیت بالایی برای پاکستان برخوردار است و نیاز پاکستان برای به دست آوردن کشمیر را مشهودتر می‌سازد، وجود بزرگراه قره قروم در این منطقه است. این بزرگراه یکی از مسیرهای عمده جاده ابریشم در مناطق شمالی پاکستان و کشمیر بوده که از راه قره قروم عبور می‌کرده است. بعد از شروع جنگ‌های هند و پاکستان بر سر کشمیر این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار شد چرا که این بزرگراه پاکستان را به چین متصل می‌کند و با توجه به این که چین یکی از رقبای سرسخت هند محسوب می‌شود هندی‌ها نسبت به احداث آن واکنش نشان داده و تلاش کردند که کنترل این منطقه به دست پاکستان نیفتد. (سید ناصری، ۱۳۸۰: ۴۵۹)

۳. وابستگی شدید منابع آبی پاکستان به منطقه کشمیر از موارد مهمی است که همیشه پاکستان و امنیت ملی آن را نگران می‌کند، زیرا به دلیل وحدت توپوگرافیک کشمیر و پاکستان، جهت‌گیری دره‌های این منطقه به سوی دشت‌های پنجاب، باعث شده است که رودخانه‌های سند و پنجاب که حدود ۸۰ درصد منابع آبی پاکستان به آنها متکی است از کشمیر سرچشمه بگیرند و بنابراین این منطقه بدین جهت نیز برای پاکستان مهم تلقی می‌شود. (James, 2005: 427)

۴. مشخصه‌ی بعدی کشمیر که اهمیت بالایی برای پاکستان دارد این است که این منطقه به دلیل مرتفع بودن، امکان تسلط دارنده‌ی آن را بر محیط پیرامون فراهم می‌کند. به ویژه این که کشور پاکستان آسیب پذیرترین همسایه‌ی آن است. زیرا

شهرهای بزرگ این کشور نظیر لاهور، فیصل آباد، راولپندی، سیالکوت و پایتخت معنی اسلام آباد به راحتی از آن تهدید می‌شوند. (Kashmir: the View from Islamabad, 2003)

۵. و در آخر این که با توجه به حساسیت و موقعیت بلندی‌های سیالکوت، پاکستان توجه ویژه‌ای به این سرزمین دارد و همواره تلاش‌های خود را در خصوص هموار نمودن الحاق رسمی و کنترل بر کشمیر به کار گرفته است. (ملازهی، ۱۳۸۰: ۲۵)

(د) آمریکا

بحران کشمیر و قدمت تاریخی آن نشانگر این مسأله است که ظاهراً راه حل صلح‌آمیزی برای آن وجود ندارد. نگاه پاکستان و هندوستان به مسأله کشمیر نیز بیانگر این موضوع است که هیچکدام خواستار ترک این منطقه نبوده و حتی گزینه استفاده از سلاح‌های اتمی را نسبت به برگزاری رفراندوم و ترک منطقه ترجیح می‌دهند. (Ohanlon, 2007: 117) ایالات متحده آمریکا به عنوان یک بازیگر بین‌المللی که هم‌اکنون داعیه قدرت هژمون دارد نیز به دلیل اهمیت قابل توجهی که برای منطقه شبه‌قاره قائل است، برای حل بحران وارد عمل شده است. (Gamguly, 2006: 48) در زیر به مهمترین جنبه‌های اهمیت کشمیر برای آمریکا اشاره می‌شود:

۱- با توجه به این که سیاست آمریکا بعد از فروپاشی شوروی مبتنی بر مبارزه با تروریسم و عدم گسترش سلاح‌های اتمی است کاملاً واضح به نظر می‌رسد که کشمیر از اهمیت بالایی برای این کشور برخوردار باشد. (البرز، ۱۳۸۰: ۲۴) زیرا کشمیر در نقطه تلاقی سه قدرت هسته‌ای جهان یعنی هند، پاکستان و چین قرار دارد که از الگوی رابطه‌ی نامتوازن نسبت به یکدیگر برخوردارند. (توریالی غیائی، ۱۳۸۷: ۳)

۲- اهمیت کشمیر به عنوان پایگاهی برای آمریکا که با وجود آن بر بام جهان تسلط پیدا خواهد کرد و ناظر بر عملکرد کشورهای چین، هند، روسیه، آسیای مرکزی، پاکستان و افغانستان خواهد شد را نمی‌توان نادیده گرفت. (عادل شیخ، ۱۳۸۱: ۳۸) این مهم در تحقق ایفای نقش هژمونی آمریکا در جهان بسیار اهمیت دارد.

۳- اگر نظریه هانتینگتون مبنی بر جنگ تمدن‌ها را بپذیریم، آمریکا با استقرار در کشمیر میان سه حوزه تمدنی اسلام، هندو و کنفوسیوس قرار می‌گیرد. این مهم برای

مدیریت چالش‌های بین‌المللی ضرورت دارد.

۴- کشمیر منطقه‌ای است که آمریکا از طریق آن می‌تواند در شبه قاره نفوذ پیدا کند و سلطه خود را بر این منطقه اعمال کند. این ابزار به آمریکا امکان می‌دهد تا پاکستان و هندوستان را با منافع خویش هماهنگ کند. (kumar,2003)

۵- با توجه به این که کشمیر سرزمین مورد مناقشه میان دو قدرت هسته‌ای است و تداوم این مناقشه می‌تواند به احتمال بروز جنگ اتمی میان هند و پاکستان کمک کند، توجه و حساسیت نشان دادن به این مسئله برای آمریکا مهم است. (Kashmir:Confrontation and Miscalculation,2002)

۶- کشمیر منطقه‌ای است که تداوم بحران در آن به رشد رادیکالیسم از نوع هندو و اسلامی در محیط پیرامونی آن منجر شده است. رادیکالیسم اسلامی از دید آمریکا برابر با تروریسم است. بنابراین یکی از راه حل‌های مبارزه با تروریسم خاتمه دادن به بحران کشمیر در هر شکل ممکن است.

بخش دوم

سناریوهای ممکن برای حل بحران کشمیر

طی نیم قرن و اندی پس از استقلال هند و پاکستان، کشمیر تنها مانع برقراری روابط عادی میان دو کشور بوده است. چنانچه این مشکل حل شود، دو ملت در کمال دوستی در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد و نیازی به صرف مبالغ کلان برای هزینه‌های دفاعی نخواهند داشت. (Kashmir:learning from past,2003)

مشکل کشمیر را بدان جهت که هر دو کشور درگیر در مسأله از توان هسته‌ای برخوردارند نمی‌توان از طریق نظامی حل کرد و برای حل منازعه آن باید در جستجوی راه‌های صلح آمیز و سیاسی بود. در صورت حل نشدن بحران کشمیر، صلح و امنیت در جنوب آسیا به مخاطره می‌افتد. (ساجدی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) تجربه‌های گذشته نیز نشان داده است که مذاکرات دو جانبه میان هند و پاکستان همچنین میان دولت هند و مردم کشمیر بی نتیجه بوده است. (India/Paki- stan and Kashmir:steps toward peace,2004) از سال ۱۹۴۷ تاکنون تمام قطعنامه‌ها و قراردادهای دو جانبه از جمله اعلامیه تاشکند و قرارداد سیملا یا قراردادهای دو جانبه هند و کشمیری‌ها مانند قرارداد دهلی بین شیخ عبدالله (رهبر اسبق حزب کنفرانس ملی از گروه‌های کشمیری) و ایندیرا گاندی نخست

وزیر وقت هند نتوانستند به رفع بحران بیانجامند. با این حال، از آغاز بحران تاکنون، پیشنهادات مختلفی برای حل این بحران مطرح شده که مقاله از آنها به نام سناریو یاد می‌کند.

سناریوی اول: حفظ وضع موجود (The Status Quo)



از کشمیر می‌توان به عنوان نقطه اشتعال در روابط هند و پاکستان نام برد. هم اکنون یک مرز رسمی به نام خط کنترل، کشمیر را به دو قسمت تقسیم می‌کند. خط کنترل یا همان خط آتش بس در واقع خط موقتی است که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی در پی جنگ اول هند و پاکستان ترسیم شد و در سال ۱۹۷۲ میلادی براساس موافقت نامه سیملا (Simla) به خط کنترل تغییر نام داد.

در حقیقت خطوط آتش بس به وجود آمده براساس این قرارداد نیروهای مستقر دو کشور در کشمیر را به رسمیت شناخت و به آن چهره‌ای قانونی داد. از آن زمان تاکنون شرایط دچار تغییر نشده است و همچنان ارتش‌های هند و پاکستان در دو سوی این خط به حالت تدافعی باقی مانده‌اند. براین اساس یک سوم ایالت جامو و کشمیر که آنرا کشمیر آزاد می‌خوانند به مرکزیت مظفرآباد متعلق به پاکستان و مابقی منطقه با مرکزیت سرینگر که شامل جامو، لاداخ و دره کشمیر است به کنترل هندوستان درآمده است. (Ruisheng, 2006:57) طالبان حفظ وضع موجود خواهان شناسایی خط کنترل کشمیر به عنوان مرز بین المللی هند و پاکستان و تقسیم کشمیر بین دو کشور هستند.

سناریوی دوم: الحاق کشمیر به پاکستان (Kashmir Joins Pakistan)



یکی دیگر از سناریوهای مطرح شده پیوستن تمام ایالت جامو و کشمیر به کشور پاکستان است. در حال حاضر یک سوم از کل ایالت که کشمیر آزاد خوانده می‌شود با مساحتی حدود ۸۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی که براساس آمار اعلام شده در سایت بی‌بی‌سی (B.B.C) حدود ۹۹ درصد مسلمان هستند به پاکستان تعلق دارد. در سال ۱۹۴۷ میلادی هندوستان و پاکستان با یکدیگر موافقت کردند که ساکنان جامو و کشمیر خودشان براساس یک رفراندوم و همه‌پرسی، تصمیم نهایی را برای منطقه بگیرند. (ساجدی، ۱۳۸۶: ۱۳۰) براساس همه‌پرسی انجام شده از مردم ساکن در منطقه، اکثر این مردم خواستار الحاق کشمیر به پاکستان شدند. هند این همه‌پرسی را رد کرد و آن را در تعیین سرنوشت کشمیر بی‌اثر دانست. اگرچه در همان سال‌ها هند نتایج این انتخابات را باطل اعلام کرد اما پاکستان همیشه از این انتخابات به عنوان اهرم فشاری بر علیه هند برای تسلط بر کشمیر استفاده کرده است. (James, 2005: 435)

سناریوی سوم: الحاق کشمیر به هندوستان (Kashmir Joins India)



این سناریو بر گرفته از اقدامات گلاب سینگ، مهاراجه وقت کشمیر در اوان استقلال هند و پاکستان است که ایالت جامو و کشمیر را بخشی از خاک هندوستان اعلام کرد. تمام کوشش‌های گلاب سینگ متعصب هندو بر این بود که رعایای مسلمان به مذهب هندو درآیند. (سید ناصری، ۱۳۸۰: ۵۹)

دولت هندوستان نیز با توجه به گزینه «خواست رهبران مناطق» مبنی بر الحاق به هند یا پاکستان در زمان استقلال، (و با استناد به اظهارات گلاب سینگ که الحاق کشمیر به هند را اعلام کرد) مدعی جدایی ناپذیر بودن کشمیر از هندوستان است که البته با توجه به ساکنان مسلمان در منطقه جامو و کشمیر و تعصبات شدید مذهبی آنها بعید به نظر می‌رسد که چنین راه حلی منتج به برقراری ثبات در منطقه شود. (Ozdamar,2005:450)

سناریوی چهارم: کشمیر مستقل (Independent Kashmir)



بنیاد این سناریو بر این فرض استوار است که روزی کشمیر به تنهایی خود یک کشور مستقل را تشکیل دهد و این بحران ریشه کن شود. کشمیر به لحاظ جغرافیایی بسیار بزرگتر از حدود ۶۸ کشور عضو سازمان ملل و پرجمعیت تر از ۹۰ کشور عضو این سازمان با اکثریت نژاد آریایی و اکثریت دینی اسلام است.

مشکل پذیرفتن این سناریو به عنوان راه حل بالقوه این است که نیاز دارد هند و پاکستان به کلی منطقه را ترک کنند. کشمیر بدان جهت پیشوند بحران را به خود گرفته است که هند و پاکستان راضی به ترک منطقه و یا حتی از دست دادن قسمتی از منطقه نیستند. (Ohanlon,2007:117) زایش پدیده سیاسی جدیدی به نام کشمیر فقط آن دسته از فعالان کشمیری را که خواهان به وجود آمدن کشور مستقل بنام کشمیر هستند، ارضاء خواهد کرد.

سناریوی پنجم: یک کشمیر مستقل کوچکتر (A Smaller Independent Kashmir)



یک کشمیر مستقل کوچکتر می‌تواند شامل دره کشمیر که هم اکنون تحت نظارت هندوستان است و تنگه باریک منطقه که کشمیر آزاد خوانده می‌شود، باشد. با توجه به این سناریو، مناطق مهم استراتژیکی سرزمین‌های شمالی، لاداخ و چین مرزی تحت کنترل پاکستان و هند در خواهد آمد. اگر در نتیجه فراندوم منطقه‌ای که گزینه استقلال را پیشنهاد می‌کند، اکثریت ساکنان دره کشمیر، استقلال را انتخاب کنند و اکثریت ساکنان پاکستان نیز خواهان استقلال باشند، با پیوستن این دو منطقه به یکدیگر یک کشمیر مستقل کوچکتر به وجود خواهد آمد.

سناریوی ششم: دره کشمیر مستقل (Independent Kashmir Valley)



همانطور که قبلاً ذکر شد دره کشمیر هم اکنون در آن قسمت از کشمیر قرار دارد که متعلق به هندوستان است. دره کشمیر با $1/800$ مترمربع وسعت اگرچه فقط یک

دهم بوتان است اما خیلی بزرگتر از کشور موناکوست و می تواند در یک رفراندوم منطقه ای با توجه به خواست اهالی به خودی خود کشوری مستقل شود. دره کشمیر به لحاظ اقتصادی می تواند از طریق صنعت توریسم، صنایع دستی و کشاورزی کسب درآمد کند.

سناریوی هفتم: فرمول چناب (The Chenab Formula)



این طرح برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد و بر طبق آن، کشمیر در طول رودخانه چناب تقسیم خواهد شد. با اجرای این طرح تمام منطقه ی تحت لوای پاکستان و همچنین اکثریت مناطق مسلمان نشین جامو به پاکستان خواهد پیوست. با تحقق این طرح هندوستان ۳۰۰۰ متر مربع از ۸۴۰۰۰ متر مربع مساحت کشمیر تحت کنترل خود را از دست خواهد داد که این به خودی خود یک پیروزی آشکار برای پاکستان بعد از مشاجرات طولانی این کشور با هندوستان است.

بخش سوم

فرصت‌ها و چالش‌های سناریوهای بازیگران

هر کدام از طرح های ارائه شده، موافقان و مخالفان خاص خود را دارد و هر یک از بازیگران نیز به دلایل تاریخی در پذیرش این موارد با ملاحظات و منافع خاص خود رو به رو هستند. برای درک روشنتر مسأله، مقاله به ارزیابی تأثیر هر یک از سناریوها بر موقعیت بازیگران دخیل در بحران می پردازد.

۱. جبهه آزادی بخش جامو و کشمیر

هر یک از سناریوهای مطرح شده برای حل بحران کشمیر برای جبهه آزادی بخش جامو و کشمیر دارای فرصت‌ها و چالش‌هایی است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

سناریوی اول: حفظ وضع موجود

تحقق سناریوی اول برای فعالان کشمیری سراسر تهدید و چالش است چرا که مانع از شکل گیری کشوری به نام کشمیر می‌شود، اما از آن جا که باعث پایان بحران و تعیین نسبی سرنوشت کشمیری ها پس از سال ها انتظار می‌شود برای آنان یک فرصت تلقی خواهد شد.

سناریوی دوم: الحاق کشمیر به پاکستان

سناریوی دوم نیز برای این گروه تهدید محسوب می‌شود چون به تلاش آنها برای کسب استقلال لطمه می‌زند؛ با این حال چون به پایان بحران و تعیین نسبی سرنوشت کشمیری ها منجر می‌شود یک فرصت است. علاوه بر این با توجه به تعصبات شدید مذهبی و با توجه به این که اکثریت ساکنین کشمیر مسلمان هستند (توحیدی، ۱۳۸۷) اگرچه طبق این سناریو آنها به خواست خودشان مبنی بر به وجود آمدن یک کشور جدید به نام کشمیر دست نیافته اند اما به یک کشور مسلمان می‌پیوندند و این بهتر از الحاق آنها به هندوستان است.

سناریوی سوم: الحاق کشمیر به هندوستان

سناریوی سوم برای کشمیری ها سراسر تهدید است چرا که ناچار خواهند بود سیطره و سلطه ی هندی ها را بپذیرند و گزینه ی استقلال آنها به نتیجه نخواهد رسید.

سناریوی چهارم: کشمیر مستقل

برای تحقق سناریوی چهارم نیاز است که هند و پاکستان منطقه را ترک کنند که هیچ کدام تمایلی به این موضوع ندارند. (سنگابی، ۱۳۷۸: ۳۳) افزون بر این با توجه به این که کشور جدید کشمیر برای رفع نیاز اقتصادی خود مجبور به تعامل با کشورهای همجوار خواهد بود بنابراین ممکن است برای آن، مشکلاتی با این دو کشور به وجود آید. با این حال برای کشمیری ها تحقق این سناریو سراسر فرصت است چرا که به زایش پدیده سیاسی جدیدی به نام کشمیر منجر می‌شود و هویت کشمیری در آن جریان می‌یابد. (فرزین‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸)

سناریوی پنجم: یک کشمیر مستقل کوچکتر

مهمترین چالش سناریوی پنجم این است که کشمیری‌ها نتوانند نیاز اقتصادی خودشان را حل کنند و به دولت‌های هند و پاکستان محتاج شوند، با این حال چون این سناریو به پایان بحران کشمیر می‌انجامد و باعث تعیین نسبی سرنوشت

کشمیری‌ها می‌شود یک فرصت بوده و از این منظر سناریوی پنجم بارقه‌ی امیدی برای کشمیری‌ها است چرا که هر چند در نقطه‌ی کوچکت‌ر، هویت کشمیری‌ها زنده می‌شود و در قلمرو سرزمینی مستقل جریان می‌یابد.

سناریوی ششم: دره کشمیر مستقل

در صورت تحقق سناریوی ششم یعنی با استقلال دره کشمیر ممکن است گروه‌های کشمیری به تنهایی نتوانند مشکلات اقتصادی خود را در منطقه حل کنند، اما از آن جا که این سناریو به حل بحران به سود کشمیری‌ها می‌انجامد یک فرصت است. به عبارت دیگر اگر چه کشمیری‌ها خواهان تسلط بر کل منطقه هستند اما تحقق این سناریو به این جهت که دولت مستقلی به نام کشمیر به وجود خواهد آمد نیز برای آنان فرصتی طلایی محسوب می‌شود.

سناریوی هفتم: فرمول چناب

برای کشمیری‌ها تحقق سناریوی هفتم زیانبار است چرا که مانع از استقلال کشمیر خواهد شد با این حال چون به پایان بحران کشمیر و تعیین نسبی سرنوشت کشمیری‌ها پس از چندین دهه نابسامانی می‌انجامد می‌تواند یک فرصت باشد.

۲. هندوستان

سناریوهای ارائه شده برای هندوستان به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای دخیل در بحران، فرصت‌ها و چالش‌هایی را در پی دارد که در زیر به اختصار بررسی می‌شود:

سناریوی اول: حفظ وضع موجود

تجزیه کشمیر به دو بخش، مغایر سیاست هند مبنی بر این است که کشمیر بخش جدایی‌ناپذیر هند است (Ganyuly, 2006: 45) و با توجه به این که ساکنان دره کشمیر مسلمان و خواهان استقلال کشمیر و یا الحاق این سرزمین به پاکستان هستند، این نگرانی وجود دارد که پس از اجرای سناریوی اول، مجدداً موج تازه‌ای از درگیری و ناامنی، کشمیر تحت کنترل هند را فرا گیرد. (Ruisheng, 2006: 58) ثانیاً با تحقق این سناریو ممکن است عکس‌العمل پاکستان که همیشه سیاست تهاجمی را در سر می‌پروراند عملی شده و بحران وارد فصل تازه‌ای گردد، در نتیجه ممکن است بحران خاتمه نیافته و بازیگران مختلفی در سطح بین‌الملل وارد بازی شوند که این برخلاف خواست دولت هند است. به رغم این تهدیدها سناریوی اول می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای هند به وجود آورد که از آن جمله می‌توان به حل یک

مناقشه‌ی دیرینه و در پی آن حذف گزینه‌ی استفاده از سلاح‌های اتمی و کاهش توجه هند به مسائل نظامی و عطف توجه آن به مسائل اقتصادی و غیره و همچنین کاهش فشارهای بین‌المللی علیه هند اشاره کرد. (Ozdamar, 2005: 454) البته با سند خوردن دو سوم از ایالت جامو و کشمیر به نام هند، مرز دفاعی محکمی برای این کشور در برابر قدرت‌های بزرگی چون چین و روسیه نیز به وجود خواهد آمد.

سناریوی دوم: الحاق کشمیر به پاکستان

این سناریو می‌تواند برای هند چالش‌ها و تهدیدات ذیل را به دنبال داشته باشد: با از دست دادن این ایالت، سایر ایالات هند نیز داعیه جدایی از دولت مرکزی را خواهند کرد و جایگاه فعلی هندوستان به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تضعیف خواهد شد، در نتیجه تحقق این سناریو به معنی باخت هند در این بازی بزرگ خواهد بود که این مهم به معنای از دست رفتن پرستیژ و اعتبار هند در سطح جامعه‌ی بین‌المللی است. مورد بعدی این که رودخانه‌های مهم کشمیر که به لحاظ اقتصادی برای هندوستان از اهمیت بالایی برخوردار هستند از دست می‌روند و ارتفاعات شمال کشمیر که به مثابه سنگر دفاعی برای هند انگاشته می‌شوند از آن جدا شده و در نتیجه احتمال فشار چین بر هندوستان افزایش می‌یابد. به لحاظ بعد فرهنگی، اعتقادی نیز با تحقق این طرح حساسیت شدیدی برای هندوستان به لحاظ از دست دادن معابد موجود در این منطقه به وجود خواهد آمد. در کنار این تهدیدها، تنها فرصتی که با تحقق این سناریو برای هند به وجود می‌آید پایان یک بحران چرکین است.

سناریوی سوم: الحاق کشمیر به هندوستان

تحقق این سناریو می‌تواند بهترین گزینه برای هند باشد و شاید سال‌ها نزاع و درگیری در این منطقه برای کسب چنین نتیجه‌ای باشد، بنابراین اگرچه ممکن است چالش‌هایی را برای هند به وجود آورد، اما فرصت‌های مناسبی هم برای این کشور در پی دارد از جمله این که مهر تأییدی بر قدرت منطقه‌ای بودن هند است و به تنش و بحران در منطقه به بهترین وجه ممکن برای هندوستان پایان خواهد داد. از سوی دیگر کاهش توجه هند به مسائل نظامی و توجه به مسائل اقتصادی را برای آن کشور در پی خواهد داشت و این سبب قدرتمندی هند برای ایفای نقش فعال‌تر در عرصه بین‌المللی خواهد شد. علاوه بر این با تحقق این سناریو، تسلط هند بر بام دنیا و عملکرد کشورهای چین، افغانستان و روسیه بیشتر خواهد شد و به کسب و ارتقای

پرستیژ و اعتبار بین المللی هند و به نوعی بُرد کامل بازی در مقابل حریف را پس از سال ها تنش برای آن به همراه خواهد داشت. استفاده از منابع اقتصادی موجود در کشمیر نیز از دیگر فرصت‌های احتمالی برای هند است و از لحاظ فرهنگی نیز به برد هندوئیسم ها در مقابل مسلمانان پاکستان منتج خواهد شد.

سناریوی چهارم: کشمیر مستقل

سناریوی چهارم سبب ترک کامل منطقه برای هندوستان و باخت بازی برای این کشور است و احتمال تجزیه ایالت های دیگر هند و ادعای استقلال آنها از دولت مرکزی را به دنبال خواهد داشت. از دست دادن بلندی های سیاجین در کشمیر و در نتیجه از بین رفتن سدّ دفاعی این کشور در برابر قدرت های بزرگی چون چین از دیگر تهدیدات این سناریو بر علیه هند است. از دست دادن رودخانه‌های مهم موجود در کشمیر که این کشور برای اقتصاد و کشاورزی به آنها محتاج است و معابد موجود در کشمیر که به لحاظ فرهنگی برای هندوستان حائز اهمیت هستند، نیز چالش‌هایی را برای هند به وجود خواهد آورد. اما در هر حال، این سناریو سبب پایان بحران و حذف گزینه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای هندوستان خواهد شد که با این توصیف رشد اقتصادی و پیشرفت آن در مقابل کاهش هزینه‌های نظامی را در پی داشته و از آنجا که یکی از دیرپاترین منازعات آسیا و جهان پایان می یابد، برای هندوستان یک فرصت تلقی خواهد شد.

سناریوی پنجم: یک کشمیر مستقل کوچکتر

سناریوی پنجم برای هند نگران کننده است، چرا که تمامیت ارضی هند در معرض تهدید قرار می گیرد و انگیزه استقلال طلبی را در سایر ایالات این سرزمین تحریک می کند و علاوه بر این دره کشمیر با تمام امکاناتی که دارد از حوزه ی کنترل هند خارج شده و در نهایت به نوعی پیروزی مسلمانان ساکن این دره در مقابل هندوها را به دنبال خواهد داشت که ممکن است بحران به طور قطعی پایان نگرفته و وارد فصل جدیدی گردد.

فرصت‌های احتمالی موجود را که با تحقق این سناریو پیش می آید نمی توان نادیده گرفت. از جمله آن که گزینه استفاده از سلاح های هسته‌ای حذف خواهد شد و در نتیجه اختصاص بودجه‌های دولت هند به بخش های غیر نظامی، رشد اقتصادی این دولت را در پی خواهد داشت. به علاوه، اگرچه هندوستان دره کشمیر را از دست

خواهد داد اما پاکستان نیز به عنوان رقیب هند در این بازی مناطقی از کشمیر آزاد را از دست خواهد داد. در این صورت پایان یافتن بحران و حذف گزینه استفاده از سلاح های اتمی و پایان تنش در منطقه و به وجود آمدن نوعی آرامش پس از سالها نابسامانی، برای هند فرصت تلقی می شود.

سناریوی ششم: دره کشمیر مستقل

تحقق این سناریو برای هند زیانبار است چرا که با جدایی دره کشمیر از هندوستان این امکان وجود دارد که مابقی ایالت های هندی نیز داعیه جدایی از دولت مرکزی را بکنند ولی از آن جهت که بحران خاتمه می یابد و بودجه های دولت هند که تاکنون صرف هزینه های نظامی شده است، صرف هزینه های اقتصادی و غیره می شود، برای هند مفید است.

سناریوی هفتم: فرمول چناب

تحقق سناریوی هفتم اگرچه سبب پایان بحران و حذف بودجه های دولت هند در بخش نظامی می شود اما تهدیدات جدی را برای این دولت به همراه خواهد داشت. بدین صورت که هند بخش زیادی از کشمیر تحت سلطه خود را از دست می دهد و ممکن است مابقی ایالت های هندی نیز خواستار جدایی از دولت مرکزی شوند. علاوه بر این، چنین سناریویی کاهش قدرت این کشور را به همراه داشته و پرستیژ بین المللی هند را خدشه دار می کند. اجرای این سناریو همچنین می تواند به معنی از دست رفتن سند دفاعی این کشور در برابر قدرت های بزرگی چون روسیه و چین باشد.

۳. پاکستان

سناریوهای ارائه شده برای پاکستان به عنوان یک بازیگر منطقه ای دخیل در بحران نیز فرصت ها و چالش هایی را در پی دارد.

سناریوی اول: حفظ وضع موجود

با تحقق این سناریو ادعای همیشگی پاکستان در مورد این که بدون الحاق کشمیر هویت ملی و دینی این کشور نپایان باقی خواهد ماند، بی پاسخ می ماند. (ملازهی، ۱۳۸۰: ۲۳). پاکستان، خواهان تسلط بر کل منطقه جامو و کشمیر و تحقق این سناریو او را ارضاء نخواهد کرد زیرا به نوعی بُرد هندوستان در برابر پاکستان است به این دلیل اگرچه هندوستان خواهان تمام ایالت جامو و کشمیر است ولی به سهم کنونی

خویش نیز قانع بوده و در این صورت ممکن است پاکستان از سیاست تهاجمی که مکرراً از آن یاد می‌کند استفاده کند (توریالی غیائی، ۱۳۸۷: ۵) و در نتیجه با تحقق این طرح ممکن است بحران پایان نیابد و وارد فصل جدیدی گردد. اما در هر صورت تحقق این سناریو فرصت‌هایی را نیز برای پاکستان به همراه خواهد داشت از جمله این که کاهش توجه این کشور به مسائل نظامی و عطف توجه آن به مسائل اقتصادی را در پی داشته و با پایان تنش موجود که قدمتی برابر با استقلال این کشور دارد، آرامش برای مردم پاکستان به وجود می‌آید.

سناریوی دوم: الحاق کشمیر به پاکستان

تنها تهدیدی که برای پاکستان با تحقق این طرح پیش خواهد آمد ممکن است این باشد که هندوستان به این دلیل که پرستیژ منطقه‌ای و بین‌المللی آن خدشه دار خواهد شد آرام نگرفته و بحران وارد فصل جدیدی گردد، در غیر این صورت تحقق این سناریو برای پاکستان سراسر فرصت بوده، بدین جهت که باعث کسب اعتبار و پرستیژ منطقه‌ای و بین‌المللی برای این کشور شده و مهر تأییدی بر ادعای همیشگی آن مبنی بر این که با به دست آوردن کشمیر، هویت دینی و ملی این کشور کامل می‌شود، خواهد بود و در پی دستیابی به کشمیر، منابع موجود در کشمیر که به لحاظ اقتصادی برای پاکستان مفید است، نیز متعلق به این کشور خواهد شد و بنابراین اهرم فشاری بر علیه هند و به معنای پیروزی اسلامیت‌ها در مقابل هندوئیسم به وجود خواهد بود. (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۲۰)

سناریوی سوم: الحاق کشمیر به هندوستان

سناریوی سوم چالش‌های جدی را برای پاکستان به همراه خواهد داشت و برای پاکستان سراسر تهدید است، چرا که هویت ملی و دینی نمایان باقی خواهد ماند و اهرم فشاری از سوی هندوستان برای پاکستان به وجود خواهد آمد و با توجه به ادعای همیشگی پاکستان مبنی بر این که برای به دست آوردن کشمیر از سیاست تهاجمی نیز استفاده خواهد کرد ممکن است پنجره جدیدی در بحران بازگشته و حتی گزینه سلاح‌های اتمی مورد استفاده قرار گیرد. تحقق این سناریو سبب از دست رفتن منابع مهم اقتصادی موجود در کشمیر و مساجد و معابد مهم مذهبی موجود در آن خواهد شد که برای پاکستان از اهمیت بالایی برخوردار است و در آخر این که با تحقق این طرح پاکستان همان یک سوم از ایالت را که هم اکنون در اختیار دارد

را نیز از دست خواهد داد. بنابراین، این سناریو تنها فرصتی را که برای پاکستان به همراه دارد، پایان یک تنش دیرینه در این منطقه و حذف هزینه‌های مصرفی در بخش نظامی و صرف آن در دیگر زمینه‌ها خصوصاً در بخش اقتصادی است.

سناریوی چهارم: کشمیر مستقل

سناریوی چهارم سبب به وجود آمدن تهدیداتی برای پاکستان خواهد شد که از آن جمله از دست دادن همان یک سوم از سهم کنونی پاکستان است و یا این که هویت ملی و دینی پاکستان نمایان باقی خواهد ماند و از دیگر مواردی که این سناریو برای پاکستان به همراه دارد این که منابع اقتصادی مهم موجود در کشمیر که به لحاظ اقتصادی برای پاکستان مفید است نیز از دست خواهد رفت و با به وجود آمدن یک کشور مستقل در جوار مرزهای پاکستان، ممکن است پایگاهی برای دولت‌های بیگانه در منطقه ایجاد شود که با پاکستان روابط خوبی ندارند. اما بدین جهت که این بحران چرکین پایان خواهد یافت و سلاح‌های هسته‌ای دست نخورده باقی می‌ماند فرصتی برای پاکستان محسوب می‌شود.

سناریوی پنجم: یک کشمیر مستقل کوچکتر

این سناریو تغییراتی را در منطقه به وجود خواهد آورد که در پی آن چالش‌هایی را هم برای پاکستان به همراه خواهد داشت از جمله این که اگر این کشور خواهان به وجود آمدن تغییراتی در دره کشمیر است اما به هیچ وجه مایل نیست، کشمیر را ترک کرده و کنترل این منطقه را از دست دهد و با این وصف پاکستان مقادیر زیادی از متصرفات خود را در منطقه از دست می‌دهد و هویت ملی و دینی‌اش نمایان باقی خواهد ماند و اما فرصت‌های احتمالی که با تحقق این سناریو برای پاکستان به وجود خواهد آمد، این است که این بحران چرکین خاتمه یافته و بنابراین حذف هزینه‌های نظامی و عطف به مسائل اقتصادی را برای این کشور به همراه خواهد داشت. علاوه بر این از آن جا که هم پاکستان و هم هندوستان مناطقی را از دست خواهند داد، به نوعی بازی بدون برد و باخت تمام خواهد شد.

سناریوی ششم: دره کشمیر مستقل

ممکن است با تحقق این طرح کشمیر آزاد نیز داعیه الحاق به دره کشمیر را مطرح کند و این به ضرر پاکستان تمام خواهد شد و زایش یک پدیده سیاسی جدید در جوار مرزهای پاکستان، ممکن است به عنوان پایگاهی برای کشورهای بیگانه در

منطقه تبدیل شود و برای پاکستان تهدید قلمداد شود. اما بدین جهت که خاتمه یک بحران دیرین در منطقه صورت می‌گیرد و حذف هزینه‌های نظامی و عطف آن به هزینه‌های اقتصادی و غیره را به همراه خواهد داشت و البته پایان یک جنگ سرد چندین ساله بین هند و پاکستان که هر لحظه ممکن است وارد یک جنگ تمام عیار هسته‌ای شوند، فرصتی برای پاکستان محسوب خواهد شد. علاوه بر این با تحقق این سناریو، اگرچه پاکستان به مناطق بیشتری مسلط نخواهد شد، اما از سهم کنونی او نیز کاسته نمی‌شود.

سناریوی هفتم: فرمول چناب

باتحقق این سناریو تنها تهدیدی که برای پاکستان به وجود خواهد آمد، این است که این کشور خواهان تمام ایالت جامو و کشمیر است و با تحقق این طرح هنوز قسمتی از این ایالت متعلق به هندوستان باقی خواهد ماند. اما با چشم پوشی از این مسأله، با تحقق این سناریو فرصت‌های مناسبی برای پاکستان به وجود خواهد آمد اگرچه تمامی این ایالت به پاکستان ملحق نشده است اما بخش زیادی از آن به پاکستان خواهد پیوست و اهرم فشار بر علیه هندوستان برای پاکستان به دست خواهد آمد و منابع مهم اقتصادی موجود در کشمیر که به لحاظ اقتصادی برای پاکستان مهم شمرده می‌شوند و اماکن مذهبی موجود در این منطقه که به لحاظ فرهنگی برای پاکستان از اهمیت بالایی برخوردارند به این کشور می‌پیوندند.

۴. امریکا

هر یک از سناریوهای پیشنهادی چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای امریکا به همراه دارد که در زیر بررسی می‌شود.

سناریوی اول: حفظ وضع موجود

با رسمیت یافتن حفظ وضع موجود، اگرچه بحران پایان خواهد پذیرفت اما چون پاکستانی‌ها تمایلی به تحقق این طرح ندارند ممکن است بحران وارد مرحله جدیدی شده و این واگه برای امریکایی‌ها به وجود بیاید که پاکستانی‌ها آغازگر یک جنگ هسته‌ای در منطقه جنوب آسیا شوند که البته معضلاتی را در این منطقه و در سطح بین‌الملل در پی خواهد داشت. (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۴) علاوه بر این یک کشور رسمی به نام کشمیر هم شکل نخواهد گرفت تا امریکایی‌ها بتوانند پایگاهی در این منطقه برای خودشان بنا کنند. مضافاً این که ممکن است رسمیت یافتن وضع موجود

کماکان زمینه را برای رشد تروریسم فراهم کند که این به زیان ایالات متحده است. (Ozdamar, 2005: 458) اما بدین جهت که تحقق این سناریو پایان یک بحران دیرپا و خاتمه تنش در منطقه جنوب آسیا را به همراه خواهد داشت فرصتی برای امریکا محسوب می‌شود. (Ohanlon, 2007: 118)

سناریوی دوم: الحاق کشمیر به پاکستان

سناریوی دوم چالش‌ها و فرصت‌هایی را به طور توأمان برای امریکا به همراه خواهد داشت، از آن جهت که ممکن است به شیوع تروریسم در منطقه بیانجامد و به وجود نیامدن یک کشور جدید در منطقه که می‌توانست به عنوان پایگاهی برای امریکا عمل کند، سراسر تهدید است اما بدان جهت که بحران کشمیر پایان می‌یابد و امنیت نسبی به منطقه جنوب آسیا برمی‌گردد و گزینه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای حذف می‌شود برای امریکا یک فرصت تلقی می‌شود.

سناریوی سوم: الحاق کشمیر به هندوستان

سناریوی سوم بدین علت برای امریکا چالش محسوب می‌شود که یک کشور جدید در این منطقه که می‌توانست به عنوان پایگاهی برای امریکا عمل کند به وجود نخواهد آمد و ممکن است بحران وارد فصل جدیدی گشته و پاکستان آغازگر یک جنگ هسته‌ای گردد، که نه تنها ناامنی زیادی را برای منطقه جنوب آسیا به وجود خواهد آورد بلکه کلیه معادلات عادی را نیز در سطح بین‌الملل تغییر خواهد داد. این سناریو بدین علت برای امریکا فرصت محسوب می‌شود که اگرچه یک کشور مستقل به وجود نخواهد آمد اما امریکایی‌ها تمایل بیشتری دارند که این منطقه به هندوستان بپیوندد تا به پاکستان، زیرا ممکن است اسلام‌گرایان و بنیادگرایان اسلامی معضلاتی را در منطقه به وجود آورند.

سناریوی چهارم: کشمیر مستقل

تنها چالشی که با تحقق این سناریو برای امریکا ممکن است به وجود آید این است که با توجه به این که هندوستان و پاکستان هر دو سهم بیشتری از منطقه را نسبت به سهم کنونی خودشان خواهان هستند ممکن است ناامنی در منطقه پایان نگرفته و تنش‌ها در منطقه تشدید یابد و اما فرصت‌های ایجاد شده برای امریکا این است که همانطور که قبلاً ذکر شد امریکا خواهان زایش یک پدیده‌ی سیاسی جدید در منطقه جنوب آسیا است و بنابراین تحقق این سناریو برای آن سودمند است زیرا باعث

خواهد شد گزینه استفاده از سلاح های اتمی حذف شود و مهمترین نکته این که در پی آن پایگاهی برای امریکا به وجود می آید که به لحاظ استراتژیکی فوق العاده مهم تلقی می شود زیرا امریکا با وجود این منطقه بر بام دنیا مسلط خواهد شد و عملکرد دولت های بزرگی چون چین و روسیه را تحت کنترل خواهد داشت.

سناریوی پنجم: یک کشمیر مستقل کوچکتر

تحقق این سناریو به جهت این که پاکستان و هندوستان خواهان تسلط بر مناطق بیشتری از ایالت کشمیر نسبت به سهم کنونی خویش هستند، تمایلی به محقق شدن این طرح نداشته و ممکن است ناامنی ها در منطقه از سر گرفته شود که بدین جهت تهدیدی بر علیه امریکا صورت می گیرد ولی بدان علت که پایان تنش در منطقه جنوب آسیا و با توجه به وجود آمدن یک کشور مستقل به نام کشمیر که زمینه ورود امریکا به منطقه را فراهم خواهد کرد و در پی آن تسلط امریکا بر بام دنیا و عملکرد قدرت های بزرگی چون روسیه، چین و کشورهای چین افغانستان را در پی دارد فرصتهایی را برای این کشور به وجود می آورد.

سناریوی ششم: دره کشمیر مستقل

بدین جهت که هر دو کشور هندوستان و پاکستان خواهان سهم بیشتری از موقعیت کنونی خودشان در کشمیر هستند، ممکن است بحران خاتمه نیافته و وارد فصل جدید گردد و این تهدیدی علیه امریکا در منطقه جنوب آسیا محسوب می شود و اما تحقق این سناریو به چندین دلیل فرصتهایی را برای امریکا به وجود خواهد آورد از جمله پایان یک بحران طولانی در منطقه جنوب آسیا و حذف گزینه استفاده از سلاح های هسته ای که سالهاست باعث واهمه در محافل بین المللی گردیده است و از آن جهت که منجر به بوجود آمدن کشور جدیدی به نام کشمیر می شود که می تواند به عنوان پایگاهی برای امریکا و تسلط آن بر قدرت های بزرگی چون روسیه و چین می شود نیز برای امریکا سودمند است.

سناریوی هفتم: فرمول چناب

هندوستان خواهان سهم بیشتری از دو سوم کنونی تسلط خود در منطقه است، بنابراین هیچ تمایلی به تحقق این طرح نداشته و در نتیجه ممکن است تنش در این منطقه از بین نرود و بحران وارد فصل جدیدی گردد و با توجه به این که اگر یک کشور مستقل به نام کشمیر به وجود نیاید امریکا تمایل دارد این منطقه به هندوستان

واگذار گردد تا به پاکستان. در چنین شرایطی ممکن است شیوع تروریسم را در منطقه شاهد باشیم که تهدیدی علیه امریکا محسوب می‌شود. تنها فرصتی که با تحقق این سناریو برای امریکا به وجود می‌آید پایان بحران و تنش در منطقه جنوب آسیا و بلااستفاده ماندن سلاح‌های اتمی است.

نتیجه‌گیری

منطقه جنوب آسیا به علت اتصالاتش با خطوط ارتباطی دریایی در اقیانوس هند و به لحاظ قرار گرفتن بین دو منطقه خلیج فارس و جنوب شرقی آسیا، که از نظر سیاسی بی‌ثبات و از نظر اقتصادی حیاتی است، دارای اهمیت ژئوپلیتیک است. نکته مهم این است که در کانون ژئوپلیتیک این منطقه، کشمیر قرار دارد. بنابراین پر واضح است که کشمکش‌ها بر سر اعمال قدرت بر این منطقه همواره وجود داشته است و هر لحظه احتمال وقوع جنگ تمام عیاری بین هند و پاکستان که خسارتهای جبران ناپذیری به همراه آورد، وجود دارد. بر این اساس راه‌حل‌های مختلفی برای حل این بحران ارائه شده که در این مقاله ۷ سناریو از آنها طرح و مورد بررسی قرار گرفت: ۱- حفظ وضع موجود و ۲- الحاق کشمیر به پاکستان ۳- الحاق کشمیر به هندوستان ۴- کشمیر مستقل ۵- یک کشمیر مستقل کوچکتر ۶- دره کشمیر مستقل ۷- فرمول چناب.

از بین این سناریوها، آن که محتمل‌تر به نظر می‌رسد سناریوی پنجم است که یک فرصت نسبی را برای هر یک از بازیگران دخیل در بحران به همراه خواهد داشت و از چالش‌های کمتری نسبت به گزینه‌های دیگر برخوردار است چرا که هر دو بازیگر منطقه‌ای دخیل در بحران قسمتی از قلمرو تحت تسلطشان را از دست می‌دهند اما همچنان حاکم بر قسمتی از کشمیر باقی خواهند ماند و گروه‌های کشمیری نیز به آرزوهای دیرینه خود مبنی بر به وجود آمدن یک کشور مستقل بنام کشمیر می‌رسند. امریکا نیز به عنوان بازیگر بین‌المللی مورد تحقیق در این پژوهش، با تحقق این سناریو فرصت‌های مهمی را به دست خواهد آورد. از جمله این که با کشور مستقلی به نام کشمیر مواجه خواهد بود که می‌تواند سناریوهای مختلفی را در تنظیم روابطش با آن طراحی کند. افزون بر این، با پایان بحران کشمیر، منطقه جنوب آسیا به لحاظ اقتصادی و سیاسی، رشد و ثبات پایداری را تجربه خواهد کرد که در پرتو آن جمعیت یک میلیارد

و نیمی این منطقه پس از سال‌ها کشمکش و منازعه، رفاه و آسایش را تجربه خواهند کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع :

الف) فارسی

۱. البرز، ا، «کشمیر در دستور کار آمریکایی‌ها»، ترجمان سیاسی، ج ۷، ش ۱، دی ۱۳۸۰، تهران: ۲۴-۲۵.
۲. ایزد دوست، مصطفی، «تعامل استراتژیک پاکستان- امریکا»، دیدگاهها و تحلیلهای، شماره ۱۶۰، سال ۱۶، تیر ۱۳۸۱، تهران: ۴۷-۴۲.
۳. بی نام، «پاکستان: پاشنه آشیل آمریکا»؛ www.rasekhoon.net
۴. توریالی غیاثی، انجیب، «هند و پاکستان در آستانه ی جنگ هسته‌ای»؛ www.khawaran.com
۵. توحیدی، ام البنین، «بحران کشمیر، روزنه هایی به سوی صلح»؛ www.csr.ir
۶. دهشیار، حسین، «کشمیر سوپاپ اطمینان یا شعله باروت»؛ www.hamshahrionline.ir
۷. رضوی، سید سجاد (۱۳۶۷)، بحران کشمیر، تهران: کیهان.
۸. ساجدی، امیر، «مسئله کشمیر»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶، تهران: ۱۴۸-۱۲۵.
۹. سنگابی، کریم اسد، «بحران کشمیر و تسلیحات هسته‌ای»، صف، شماره ۲۳۲، شهریور ۷۸، تهران: ۳۰-۳۷.
۱۰. سید ناصری، حمیدرضا (۱۳۸۰)، کشمیر گذشته حال آینده، تهران: ذکر.
۱۱. عادل شیخ، طارق، «کشمیر و نگرش پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، نهضت، سال دوم، شماره ۲۳، خرداد ۱۳۸۱، تهران: ۴۲-۳۵.
۱۲. فرزین نیا، زیبا، «ترک مخاصمه بر سر کشمیر»، رویدادها و تحلیلهای، شماره ۲۰۳، ۱۳۸۱، تهران: ۲۳-۱۵.
۱۳. ملازهی، پیرمحمد، «پاکستان، عقب ماندگی از زمان»، گزیده تحولات جهان، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۳۸۰، تهران: ۳۳-۱۹.
۱۴. ملازهی، پیر محمد، «طرح تقسیم کشمیر»، گزیده تحولات جهان، شماره ۱۴، ۱۳۸۲، تهران: ۹۵-۷۷.

ب) انگلیسی

15. Bajoria, Jayshree, «Crisis in Kashmir», Council on foreign Relations, September 11, 2008 (www.cfr.org).
16. Ganguly, Sumit, «Will Kashmir Stop India's Rise?», Foreign Affairs, vol 85, No. 4, July/ August 2006: 45-56.
17. James, Patrick, «Third- party Intervention in Ethno- Religious Conflict: Role Theory, Pakistan, and War in Kashmir, 1965». Terrorism and Political violence, vol 17, No 3, 2005: 427-445.
18. kumar, Radha, «Setting Term For Kashmir Talk», Council on Foreign Relations (www.cfr.org)
19. «India, Pakistan and Kashmir: Stabilising a Cold Peace», Asia Briefing, N.51, 15 June 2006 (www.crisisgroup.org)
20. «India, Pakistan Relations and Kashmir: Steps toward Peace», Asia Report, N.79, 24 June 2004 (www.crisisgroup.org)

21. «**Kashmir:Confrontation and Miscalculaton**», Asia Report ,N.35,11July2002 (www.crisisgroup.org)
22. «**Kashmir:The view from Serinagar**», Asia Report,N.41,21November2002 (www.crisisgroup.org)
23. «**Kashmir:The View from New Delhi**», Asia Report,N.69,4December2003 (www.crisisgroup.org)
24. Kashmir: The View from Islamabad, Asia Report, N.68, 4December2003 (www.crisisgroup.org)
25. «**Kashmir:Learning from the Past**», Asia Report N.70,4december2003 (www.crisisgroup.org)
26. O'hlanon, Micheal «**Scenario>s for Future Conflicts**», Unr espricted Warsare symposium Proceedings, 2007: 111-120.
27. Ozdamar, Ozgur, «**Religion as a Factor in Ethnic Conflict: Kashmir and India Foreign Policy**», Terrorism and political Violence, vil 17, No3, 2005: 447-467.
28. Pan,Esther, «**India-Pakistan:Peace Talk**», Council on Foreign Relations, February 20,2004 (www.cfr.org)
29. Ruisheng, Cheng, «**On the Peaceful Resolutoin of the Kashmir Problem**», Foreing Affairs Journal, No76, June 2006, 54-64.
30. WWW. BBCNEWS. IR, «**The Future of Kashmir?**» 2009/1/27



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Crisis of Kashmir: Evaluation of Scenarios to Solve the Crisis

Nouzar Shafiei (PhD)

Maryam Eskandari (M.A)

Abstract

This article, tries to answer to this question that which possible scenarios can solve the crisis of Kashmir and what is their impact on involved players in this crisis?

The importance of this question is due to the Kashmir's durable crisis and up until now, there have raised different scenarios to solve it, but all of them were inconclusive, because of involved players' disagreement on those scenarios.

In this study that is based on analysis – description method, seven possible scenarios are presented to solve Kashmir's crisis: 1- maintaining current situation 2- joining Kashmir to Pakistan 3- joining Kashmir to India 4- independent Kashmir 5- a smaller independent Kashmir 6- independent Kashmir valley 7- Chenab formula.

As mentioned above, each one of these scenarios has different consequences for involved players of Kashmir's crisis. Offenses raised from these consequences are the main barriers to implement these scenarios.

Keywords: Kashmir's Crisis, Chenab formula, Kashmir's Valley, Control Line, South Asia.

The conventions as:

- 1973. Convention On The Prevention And Punishment Of Crimes Against Internationally Protected Persons
- 1979. International Convention Against The Taking Of Hostages
- 1997. International Convention For The Suppression Of Terrorist Bombings
- 1999 .International Convention For The Suppression Of The Financing Of Terrorism
- 2005. International Convention For The Suppression Of Acts Of Nuclear Terrorism

As conclusion, a progressive development of the UN efforts, could be stated regarding the combating the terrorism.

Keywords: UN, Counter Terrorism, General Assembly.

